
**The Function of Verbs in Selections from the Poetic Collection
(If I Had a Thousand Pens) by the poet "Jaleh Esfahani"**

Mustafa Ali Obaid

must198333@gmail.com

Assistant Professor. Aqeel Abdul Hussein Muhammad, (Phd.)

aqeel.a@colang.uobaghdad.edu.iq

University of Bagdad- College of Languages- Department of the
Persian Language

DOI: <https://doi.org/10.31973/aj.v3i142.3845>

Abstract:

Since the verb is one of the most important grammatical categories that make up the sentence and its center of gravity, it has been studied in this research according to the theory of the five verbal verbs. This was applied to selected poems by the poet "Jaleh Esfahani" according to the descriptive analytical method. Here we are going to point out the most important results we have reached:

the poet used (emotional expressive) verbs more than others, because she was visualizing and building her imaginary world by making use of these verbs. Then, (the persuasion verb) comes next, which also had a great use in the systems of these poems, where the poet uses it to entice her interlocutors with her potential ideal world. It is noteworthy that the (predicative and obligatory) verbs were the least to be utilized, as Jaleh Esfahani did not benefit from them in the formulation of these poems except in a very rare way, and this is due to the limited characteristics and functions via by these verbs.

Key words: The poems of Jaleh Esfahani, Austin, Searl, Theory of speech verbs, the function of the verb, "If I had a thousand pens".

بررسی نقش فعل در برگزیده‌های از مجموعه شعری (اگر هزار قلم داشتم) ژاله اصفهانی

پژوهشگر:

استادیار دکتر:

مصطفی علی عبید القیسی

عقیل عبدالحسین محمد المالکی

دانشگاه بغداد - دانشکده زبان‌ها - دانشگاه بغداد - دانشکده زبان‌ها -

گروه زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

از آن‌جا که فعل یکی از مهمترین مقوله‌های دستوری است که جمله را تشکیل می‌دهد و مرکز ثقل آن محسوب می‌شود، در این تحقیق با توجه به نظریه گنش‌های گفتاری (سرل) مورد مطالعه قرار گرفته است و این مورد در قصاید منتخب از اشعار ژاله اصفهانی و با توجه روش توصیفی-تحلیلی اعمال شد. در اینجا ما به مهمترین نتایج بدست آمده اشاره می‌کنیم:

که شاعر از کنشهای (اظهاری و عاطفی) بیشتر از بقیه کنش‌ها در سیستم‌های قصاید خود به‌رمند شده است. از این رو، او با کمک این کنش‌ها دنیای ایده‌آل خود را می‌ساخت و به تصویر می‌کشید. پس از آن، کنش ترغیبی می‌آید که در این اشعار نیز بسیار مکرر بود، جایی که برای تشویق گیرنده با جهان ایده‌آل احتمالی وی مورد استفاده قرار گرفت. کنش‌های (اعلامی و تعهدی) را کمترین سهم داشتند، این به دلیل، ویژگی‌ها و نقش‌های محدود آن است، که شاعر در تنظیم شعر خود جز در شکل نادر از آن بهره نمی‌برد.

کلید واژه‌ها: قصاید ژاله اصفهانی، آستین، سرل، نظریه کنش گفتار، نقش فعل، «اگر هزار قلم داشتم».

پیشگفتار:

به اعتقاد سرل نظریه افعال گفتاری، بر پایه فرض بسیار مهمی استوار است، ((سخن گفتن به یک زبان وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند است. به توضیح‌تر، سخن گفتن انجام افعالی مطابق با قواعد است)) . (سرل، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

یول اصطلاح «کنش گفتاری» را شامل اعمالی می‌داند، مثلاً: امر کردن، قول دادن، تقاضا کردن و نیز ادامه می‌دهد ((صورتها را باید در تجزیه نحوی زبان تعریف کرد و نقش‌ها را به آنچه مردم از کاربرد زبان در نظر دارند)) (یول، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

هرچند انواع متفاوت از کنش‌های گفتار وجود دارد سرل آن‌ها را در پنج بخش طبقه‌بندی کرده است :-

۱. **اظهاری** : گوینده را به صدق گزاره‌ای، که بیان شده است متعهد می‌کند : "من می‌گویم که وقتی به دنیا آمد زمین لرزید"، این گونه از کنش بر نکته‌ای تاکید می‌کند، یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازد .
 ۲. **ترغیبی** : این گونه کنش‌ها کوشش هستند، برای واداشتن شنونده به انجام عملی و یا دادن اطلاعاتی به گوینده و می‌توان آن‌ها را در پرسش‌ها و درخواست‌ها یافت .
 ۳. **تعهدی** : گوینده، نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌شود. مانند: قول‌ها، سوگندها و قراردادهای در شمار این گروه هستند ؛ مثلاً جملاتی که در محضر می‌نویسیم : (موارد را خواندم و قبول دارم) یا (ثبت با سند برابر است) .
 ۴. **عاطفی** : گوینده احساس خود را با عذرخواهی، تبریک، ناسزا و ... بیان کند.
 ۵. **اعلامی** : گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب بیان می‌کند : (از این لحظه خاتمه جنگ را اعلام می‌کنم) . (رک:لام، ۱۳۸۳: ۲۰۶)
- می‌توان، همه این نمونه‌ها را در دسته‌ای واحد به نام کنش‌های گفتار قرار داد.
- یول نیز از سه نمونه اصلی کنش صحبت می‌کند :-
- i. شما کمربند ایمنی را ببندید . (خبری)
 - ii. آیا شما کمربند ایمنی را می‌بندید ؟ (پرسشی)
 - iii. کمربند ایمنی را ببندید . (امری) (یول، ۱۳۸۷: ۷۴)
- نظریه کنش سخن آستین، علاوه بر مفاهیم بنیادینی، که به اختصار بیان شد؛ آموزه‌های دیگری نیز دارد، که تقسیم کنش سخن، به بیان مستقیم و غیر مستقیم از آن جمله است . این مسئله را چنین می‌توان توضیح داد که در میان سه صورت ساختاری (پرسشی- خبری- امری) و سه نوع کارکرد ارتباطی (گزاره- پرسشی- خواهش) رابطه‌ای هست که به آسانی قابل شناسایی است، هنگامی که میان ساختار و کارکرد جمله رابطه مستقیمی باشد، آن را کنش گفتار مستقیم می‌نامند :- (رک:یول، ۲۰۰۰: ۵۴)
- (a) بیرون هوا سرد است.
 - (b) من بدین وسیله درباره وضعیت هوا شما را آگاه می‌کنم .
 - (c) من بدین وسیله از شما تقاضا می‌کنم در را ببندید .
- جمله «a» خبری است، وقتی به عنوان عبارت توضیحی «b» به کار می‌رود، کنش کلامی مستقیم است؛ اما اگر دستوری یا خواهشی شود «c» کنش گفتار غیر مستقیم تلقی می‌شود. (ن ک:یول، ۲۰۰۰: ۵۴) در این پژوهش ، با بهره‌گیری از آموزه‌های نظریه آستین و سرل، نمونه‌هایی از افعال را برای چهل و پنج قصیده شعری موجود در مجموعه شعری «اگر هزار قلم داشتم» تحلیل خواهیم کرد؛ تا کاربرد این نظریه را در این اثر ادبی

به طور عملی نشان دهیم، برای اینکه بتوانیم انواع افعال به کار رفته در سیستم‌های این اشعار را از لحاظ نقش آن‌ها بشناسیم.

زندگی و آثار ژاله اصفهانی

((ژاله اصفهانی در سال ۱۳۰۰ در خانه‌ای بزرگ و قدیمی در اصفهان متولد شد. پدر و مادر بر سر انتخاب نامش با هم اختلاف نظر داشتند. سر انجام پدر نام «اطل» را در شناسنامه او به ثبت رساند.)) (سلطانی، ۱۳۹۱: ۴۵)

((تحصیلات متوسطه را در زادگاهش به پایان برد. سپس به تهران آمد و در دانشگاه تهران زبان و ادبیات فارسی را درس خواند. کارمند بانک ملی ایران شد. ابتدا در اصفهان، سپس در تهران. همسرش، شمس‌الدین بدیع افسر نیروی هوایی (سپس محقق و مترجم در زمینه‌ی علوم اقتصادی و اجتماعی و ادبی) بود. پس از غائله آذربایجان (شکست فرقه‌ی دموکرات و سید جعفر پیشه‌وری) همراه همسرش به اتحاد شوروی سابق گریختند.)) (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۸)

((بعد از اقامت در آن کشور ژاله در دانشگاه آذربایجان ثبت نام می‌کند و به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته ادبیات نایل می‌شود. چندی پس از آن به مسکو و در آنجا به فراگیری زبان روسی می‌پردازد و در نهایت پس از جنگ روسیه مرحله‌ی دکتری خود را به پایان می‌رساند. در طی وقوع انقلاب ژاله و همسرش دوباره به ایران باز می‌گردند، اما شرایط موجود و دوری از فرزندان او را آزار می‌داد؛ از این رو در سال ۱۳۶۱ ایران را به مقصد انگلستان ترک کرد.)) (سپاس، ۱۳۹۴: ۲۲۰)

رساله‌ها و مقاله‌هایی را در موضوع ادبیات مشروطه و معاصر، از جمله در باره‌ی زندگی و آثار عارف قزوینی، ملک‌الشعرا بهار و نیما یوشیج نوشت. به ترجمه‌ی آثار ادبی هم توجه نشان داد از جمله نغمه‌های ایرانی، سروده‌ی سرگیسی یسه‌نین، شاعر نامور روس. (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۸)

اولین کسی که او را ژاله اصفهانی صدا کرد ملک‌الشعرا بهار بود. ((ملک‌الشعرا که ریاست کنگره را بر عهده گرفته بود، وقتی خواست از شاعر دعوت کند برای شعر خوانی، هم اسم از یادش رفت و هم نام فامیلش که سلطانی بود. پس همان تخلص روی جلد کتاب را خواند، ژاله؛ و چون لهجه شیرین اصفهانی او را چند دقیقه پیش شنیده بود، به آن افزود "اصفهانی"، این صحنه چنان برای او مهم بود که همی عمر نام ژاله اصفهانی بر خود نهاد.)) (بهنودی، ۱۳۸۶: ۶۰۰)

ژاله اصفهانی شعر گفتن را از نوجوانی آغاز کرد به قصیده و غزل پرداخت. در دهه-ی ۱۳۲۰ به شعر نوکلاسیک و نو روی آورد. پس از مهاجرت نیز، نشر سروده‌هایش ادامه یافت. دفترها و منتخب‌های اشعار وی از این قرار است:

گل‌های خودرو (تهران، ۱۳۲۴)، زندمرو (مسکو، ۱۳۴۴/۱۹۸۱)، اگر هزار قلم داشتم (تهران، ۱۳۶۰)، البرز بی‌شکست (لندن، ۱۳۴۲) ای باد شُرطه (لندن ۱۳۶۵)، خروش خاموش (استکهلم، ۱۳۷۲)، سرود جنگل (لندن، ۱۳۷۴)، ترنم پرواز (لندن، ۱۳۷۵)، موج در موج (تهران، ۱۳۷۶). ژاله اصفهانی اندکی فراتر از سی سال را در اتحاد شوروی پیشین زیست. سال ۱۳۵۹ به ایران آمد. مدت کوتاهی در به سر برد. سپس به انگلیس رفت. اکنون سال‌هاست که در این کشور زندگی می‌کند. همراه همسر و فرزندانش. (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۹)

بیماری همسر ژاله به مدت طولانی و فوت او، ضربه‌ی سختی بر روح و جسم ژاله وارد کرد، اما چندی نپایید که ژاله خود نیز، به بیماری جانکاه سرطان مبتلا شد. سرانجام در ۲۷ نوامبر (۲۰۰۷)م، در سن (۸۶) سالگی در لندن در گذشت. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۵۰)

«کنش‌های اظهاری»

کنش‌های اظهاری، توصیف وضعیت یا حادثه‌ای است که گوینده در آن نظر خود را درباره‌ی نادرستی یا درستی یک موضوع بیان می‌کند. (رک. صفوی، ۱۳۹۵: ۱۷۷) این کنش‌ها، تعهد گوینده نسبت به درستی خبری ارائه شده را نشان می‌دهند. به طور کلی، بیانات، تاکیدات، اظهارات، نتیجه‌گیری‌ها، ادعاها، توصیفات، ابراز حقایق و مانند آن‌ها که در آن‌ها، سخنران جهان خارجی را آن‌گونه که فکر می‌کند، به تصویر می‌کشد، دارای کنش‌های اظهاری می‌باشند. (رک. نجفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹) افعال کارگفت ترغیبی شامل:

« دلیل آوردن، معرفی کردن، تایید کردن، بخشیدن، تغییر فعالیت دادن، شرح دادن، توصیف کردن، تفسیر کردن، ادعا کردن، ابراز کردن، رها نمودن، محدود کردن، نقد کردن، اعتراض کردن، نفی کردن، دفاع کردن، دسته‌بندی کردن، تصریح کردن، پاسخ دادن، گفتن، گزارش دادن، بیان کردن و بحث کردن» است. (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸) در مطالب بعدی به تجزیه و تحلیل این افعال موجود در مجموعه‌ی شعری "اگر هزار قلم داشتم" خواهیم پرداخت. تا بتوانیم موضوع را بهتر بشناسیم، و صورت را برای ما روشن شود.

• من که ام ؟

که ام ؟

یک شهاب از شبان جدا شده

با سپیده آشنا شده ... (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

شاعر، در ابیات شعری که در بالا ذکر شد از خود می پرسد: که او کیست؟ سپس او با این سوال پاسخ می دهد و وضعیت خود را مانند شهاب سنگی توصیف می کند که از شبان جدا شده و صبح زود شناخته شده است؛ به عبارت دیگر، شاعر از طریق آن ابیات شعر، خود را توصیف و بیان داده است. از تجزیه و تحلیل بالا می توان دریافت که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت های اظهاری» و از نوع « بیان کردن و وصف کردن » ادا کرده است.

• دیده ای که دید نور را

با سیاهی آشتی نمی کند

روح روشن و نهاد پاک

با تباهی آشتی نمی کند. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

نویسنده، بر طبق اشعار منظومه که در فوق ذکر شد، گیرنده را مخاطب قرار داده و به وی اطلاع می دهد، که یک روح روشن و نهاد پاک با فساد و انحراف سازگار نیست، سپس به او می گوید که دلیل این امر آنست که دیدن نور با تاریکی آشتی نمی کند؛ این بدان معناست که نویسنده به گیرنده ثابت می کند که یک فرد روشن و پاک با فساد سازگار نیست.

از آنچه سابقاً ذکر شد مشخص است، که فرستنده در واقع فعل ها را از گروهی «کارگفت های اظهاری» و از نوع «دلیل آوردن و اثبات کردن» استفاده کرده است.

• میان قافله، بودای پارسای خموش

ردای زرد به دوش

گرفته، می رود آرام در دل اعصار

و با سکوت مقدس به خویش می گوید:

«کسی که مژده رسان حقیقت پاک است

به هیچکس نشود حمله ور ...» (همان منبع قبلی: ۵۱)

در این ابیات شعر، شاعر وضعیت یک پرستنده بودایی را توصیف می کند و ظاهر او را نشان می دهد، که او روپوش زردی بر دوش داشت و آرام در میان کاروان قدم می زد و او در سکوت مقدس با خودش صحبت می کرد و می گفت: «کسی که مژده رسان

حقیقت پاک است به هیچکس نشود حمله‌ور ...» از موارد فوق نتیجه‌گیری می‌کنیم، که فرستنده و از طریق ابیات شعری مزبور فعل را از مجموعه «کارگفت‌های اظهاری» از جور «توصیف کردن» انجام داده است.

• **سفر خوش است اگر از سفر بیایی باز**

سفر که سر به جدایی نهد چه دشوار است. (همان منبع قبلی: ۶۱)

نویسنده، در ابیات شعری که در بالا ذکر شد، سفر را به دو قسمت طبقه‌بندی می‌کند، اولین آن، سفر است که پس از آن بازگشت به وطن، خانواده و دوستان وجود دارد و آن را زیبا یا شاد توصیف می‌کند؛ اما دیگر، سفر که برای میهن برگشت ناپذیر است و باعث زندگی در سرزمین‌های خارجی می‌شود و آن را سخت یا دشوار توصیف می‌کند. از تجزیه و تحلیل شعر بالا به نظر می‌رسد، که فرستنده، در ابیات شعری بالا فعل را از زمره «کارگفت‌های اظهاری» از نوع (دسته‌بندی کردن) انجام داده است.

• **بهار افسونگر**

پر از جوانه کند پیکر درختان را

به رقص آوردن آن چشمه‌های جوشان را

شکوفه دار کند آرزوی انسان را ... (اصفهان، ۱۳۶۰: ۶۴)

شاعر، در ابیات مزبور پدیده‌های طبیعی موجود در فصل بهار را بیان می‌دهد، از جمله این پدیده‌ها گلدهی درختان و جاری شدن چشمه‌های آب گرم است، پس از آن شاعر چیز جدیدی را به بهار نسبت می‌دهد که آرزوهای انسان را محقق می‌کند. از موارد فوق ذکر ظاهر می‌شود، که فرستنده فعل‌ها را از دسته «کارگفت‌های اظهاری» و از نوع «بیان کردن، نسبت دادن» به‌رمند شد.

• **دوران سپری گردد و خورشید بماند**

گویند نویسنده دو تاریخ ندارد:

- کی آمد و کی رفت از دنیا -

زیرا که هنرمند توانا

یک دم به جهان آید و جاوید بماند. (همان منبع قبلی: ۷۲)

شاعر نشان می‌دهد که انسان با آنچه از آثار علمی یا ادبی حاصل می‌شود، جاودانه می‌ماند، سپس برخی از نمونه‌های آن را ذکر می‌کند، به عنوان مثال: یک دوره زمانی گذشته و خورشید باقی مانده، مثال دیگر اینکه نویسنده یا گوینده فقط تاریخ تولد و رفت از دنیا ذکر می‌کند، همان‌طور که یک هنرمند توانا با یک روح در این دنیا متولد می‌شود، اما با آثار خود جاودانه می‌ماند.

از موارد فوق نتیجه‌گیری می‌کنیم، که فرستنده در واقع فعلی را از گروه «کارگفت‌های اظهاری» و از نوع «دلیل آوردن و بیان کردن» اجرا کرده است.

از این تعداد فعل‌های «کنش اظهاری» که در اشعار شاعر "اصفهانی" ذکر شده است، بسنده می‌کنیم. در مبحث بعدی به افعال «کارگفت ترغیبی» می‌پردازیم، و آن‌ها را به همان روشی که افعال در تحقیقات قبلی تحلیل شده‌اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

«کنش ترغیبی»

اصطلاح "کنش ترغیبی" به آن گروه از کنش‌های گفتار اطلاق می‌شود، که گیرنده را جهت انجام یک عمل ترغیب می‌کنند و او را در حالت تکلیف قرار دهند، تا آن کار را انجام دهد. گوینده سعی می‌کند، با سخنان خود شرایطی را ایجاد کند که به وسیله آن کارهای انجام شود، تا جهان را با محتوای پیشنهادهایی که شامل کارهای آینده شنونده است، سازگار شود. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹)

این کنش‌ها، خواسته‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه‌های بارز از کارگفت‌های ترغیبی را می‌توان در خواست‌ها و پرسش‌ها مشاهده کرد. افعال کارگفت ترغیبی شامل:

« دستور دادن، توانستن، خواستن، بایستن و لازم بودن، اطلاعات درخواست کردن، بازخواست کردن، سؤال کردن، اجازه دادن، دعوت کردن، پیشنهاد کردن، توصیه کردن، درخواست اثبات کردن، تقاضا کردن، توضیح خواستن، اصرار و پافشاری کردن، اخطار دادن، دوباره راه انداختن، تکرار کردن، به مبارزه طلبیدن، هشدار دادن، القا کردن، شرط گذاشتن، توصیه کردن، اعلام نیاز کردن، التماس و تمنا کردن و نصیحت کردن» است. (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸)

در مطالب بعدی، مجموعه کارگفتهای ترغیبی موجود در مجموعه شعر مورد بحث را مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد، تا موضوع را برای ما بهتر روشن شود.

• بر کتیبه بزرگ زندگی نوشته‌اند

فتح اگر نمی‌کنی،

می‌خوری شکست ... (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

شاعر از راه ابیات شاعرانه‌ای که در بالا ذکر شد، یکی از اصول زندگی را نشان می‌دهد، همان‌طور که می‌گوید روی لوح بزرگ زندگی نوشته است، اگر پیروز نشوید، بازنده می‌شوید. این گفتار به عنوان وصیتی برای تلاش و کوشش فرد در نظر گرفته می‌-

شود. از آنچه قبلاً گفته شد، می‌توان استنباط کنیم، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌های ترغیبی» از نوع «پند و اندرز دادن و اصرار و بافشاری» اجرا کرده است.

• اگر هزار قلم داشتم

هزار خامه که هریک هزار معجزه داشت

هزار مرتبه هر روز می نوشتم من

حماسه‌ای و سرودی به نام آزادی. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۹)

اصفهانی، از طریق ابیات شعری که در بالا ذکر شد آرزو می‌کند، اگر هزار قلم و هزار خامه داشته باشد و هر کدام از آنها هزار معجزه داشته باشند، به طوری که، هر روز هزار حماسه‌ای و سرودی به نام آزادی بنویسد؛ هدف نویسنده این است که خواننده را با ارزش و قیمت آزادی آشنا کند.

اینجا در نظر گرفته می‌شود، که فرستنده در واقع فعل را از گروه «کارگفت‌های ترغیبی» و از نوع «اعلام نیاز کردن، القا کردن» انجام داده است.

• می‌دود آسمان

می‌دود ابر ...

می‌دود عمر

می‌دود، می‌دود، می‌دود راه

می‌دود موج و مهواره و ماه

می‌دود زندگی خواه و ناخواه

من چرا گوشه‌ای می‌نشینیم؟ (همان منبع قبلی: ۱۵)

از ابیات شاعرانه‌ای که در بالا ذکر شد کاملاً روشن است، که شاعر متوجه شده است که همه چیز در زندگی در جریان است و ما قدرت جلوگیری از چرخش چرخ زندگی را نداریم، بعد از آن او می‌پرسد: «من چرا گوشه‌ای می‌نشینیم؟»، او با این پرسش به گیرنده توصیه می‌کند که تلاش و کوشش و استقامت داشته باشد، زیرا زندگی در انتظار کسی نیست. از موارد فوق نتیجه‌گیری می‌کنیم، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌های ترغیبی» و از نوع «توصیه کردن، سؤال کردن» به‌رمند شد.

• تو ای باران خشم و کین، فروریز

تو ای توفان - تو ای توفان عصیان

ز هر شهر و ز هر بیغوله برخیز

صف رزمندگان را بیشتر کن

بنای ظلم را زیر و زیر کن

که جان بر لب رسید از جور جلا . (اصفهانى، ۱۳۶۰: ۱۶)

نویسنده، از طریق ابیات شعری فوق دستور می دهد باران انتقام و خشم ببارد و طوفان عصیان بلند شود و صفوف مبارزان برای شکستن پایه‌های ظلم باید شورش کنند، زیرا صبر توده‌های مردم از جور جلا به پایان رسیده است.

از این نتیجه می‌گیریم، که فرستنده در واقع فعل‌ها را از دسته «کارگفت‌های ترغیبی» و از نوع «دستور دادن یا امر کردن و به مبارزه طلبیدن» اجرا کرده است .

• نمی دانم

اگر که بودا، امروز بین ما می‌بود

چه می‌سرود برای گرسنگان جهان؟

سرود صلح و صفا

یا حماسهٔ عصیان؟ (همان منبع قبلی: ۵۱)

نویسنده، در ابیات فوق توضیح می خواهد، از آنجا که او می‌پرسد، اگر بودا امروز در میان ماست برای گرسنگان دنیا چه می‌سرود؟ سرود صلح و آرامش یا حماسهٔ شورش؟ وی با این پرسش توده‌ها را به انجام انقلابی تحریک می‌کند.

از تجزیه و تحلیل بالا می‌توان دریافت، که فرستنده در واقع فعل‌ها را از زمره «کارگفت‌ها ترغیبی» و از جور «به مبارزه طلبیدن و سؤال کردن» انجام داد .

• ای چشمهای روشن شب، ای ستاره‌ها

آیا عقاب گمشده‌ام را ندیده‌اید؟

در دشتهای خرم و خاموش آسمان

او با دو بال سرکش نگین کجا پرید؟ (همان منبع قبلی: ۵۱)

نویسنده در ابیات شعری مزبور، از ستاره‌های و چشم‌هایی که تاریکی شب را روشن می‌کنند، دربارهٔ عقابی که از خود گم شده می‌پرسد، آیا آن‌ها آن را دیده‌اند؟ پس از آن، از آنها می‌خواهد، که برای او توضیح دهند، کجا با بالهای بزرگ و سرکش خود پرواز کرده است، آیا او میان دشت‌های سبز پرواز کرده یا در آسمان آرام.

اینجا در نظر گرفته می‌شود، که فرستنده فعل‌ها را از گروهی «کارگفت‌های ترغیبی» از نوع «توضیح خواستن و سؤال کردن» ادا کرده است.

«کنش عاطفی»

کارگفت عاطفی شامل کنش‌هایی است که احساسات گوینده را ابراز می‌کند. (ر.ک. نجفی وهمکاران، ۱۳۹۶: ۱۹) به عبارت دیگر، این گنش‌ها بیانگر حالت روانی گوینده در مورد وضعیت و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای تعیین شده است. در این نوع کنش، گوینده نه سعی می‌کند جهان خارجی را با کلمات گفته شده مطابقت دهد و نه کلمات گفته شده را با جهان خارجی؛ بلکه حقیقت و صدق گزاره گفته شده، مسلم و روشن فرض می‌شود. از میان مجموع افعال مرتبط با این کنش می‌توان به:-

«تمجید کردن، عذرخواهی کردن، سپاسگزاری کردن، به تبریک گفتن، اظهار تاسف کردن، خشنود کردن، سرزنش کردن، تحسین کردن، سلام دادن، هجو کردن، خشمگین شدن، شکایت کردن، تشکر کردن، تعجب کردن، اهانت کردن، دشنام دادن، ناامید شدن، خشمگین کردن و ناسپاسی کردن» نشان داد. (همانجا)

در مطالب بعدی، مجموعه افعال «کنش عاطفی» موجود در مجموعه شعر مورد بحث را مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد، تا موضوع را برای ما بهتر روشن کند.

• سپاس ای روزگاران جدائی

سپاس ای درد و اندوه نهفته،

سپاس ای آرزوهای پلانی،

شما ای غنچه‌های ناشگفته .

(اصفهان، ۱۳۶۰: ۱۱)

نویسنده، ابیات شعری مزبور را با واژه «سپاس» آغاز کرد، این واژه‌ای است که برای ابراز تشکر و سپاسگزاری به کار می‌شود؛ اما شاعر این واژه را برای این منظور به کار نبرد، بلکه به منظور ابراز ناامیدی و درد درونی بود که وی را دلیل شرایط ساختی گذرانده بود، آزار می‌داد. اینجا در نظر گرفته می‌شود، که فرستنده فعل را از گروه «کارگفت‌های عاطفی» از نوع «تشکر کردن و ناامید و دلسرد شدن» بهره‌گیری شد.

• روزها را می‌شمارم

ماه‌ها و سال‌ها را می‌شمارم

وقت کم مانده است و بسیار است کارم ... (اصفهانى، ۱۳۶۰: ۵۵)

شاعر در ابیات شعر قبلی از نگرانی‌های خود شکایت دارد، همان‌طور که وقتی روزها، ماه‌ها و سال‌ها را می‌شمرد، برای او روشن شد که وقت کافی برای تکمیل تمام کارهایی که به او محول شده، باقی نمانده است.

از این نتیجه می‌گیریم، که فرستنده فعل را از گروه «کارگفت‌های عاطفی» از نوع «شکایت کردن» اجرا کرده است.

• برای من که جدایی کشیده‌ام همه عمر،

ز نو جدایی یاران غمی گرانبار است. (همان منبع قبلی: ۶۱)

نویسنده، در ابیات شعری مزبور، از انقضای بیشتر سال‌های عمر خود در غربت زندگی می‌کند، شکایت دارد، و نشان می‌دهد که در حال حاضر برای ترک دوباره دوستان آماده نیست، و آن را برای خود خیلی گران محسوب می‌شود

اینجا در نظر گرفته می‌شود، که فرستنده فعل را از گروه «کارگفت‌های عاطفی» از نوع «اظهار همدردی کردن» انجام داده است.

• ز راه دور

از آن سوی کوه‌های کبود ...

ز کوی عشق

نمی‌دانم از کجا

ز بهشت

چه پر شکوه و شکوفان

بهار می‌آید. (اصفهانى، ۱۳۶۰: ۶۳)

در ابیات شعری که سابقاً ذکر شد، شاعر از زیبایی فصل بهار تعجب می‌کند و نشان می‌دهد که نمی‌داند از کجا آمده و چندین فرضیه درباره مکان‌هایی که ممکن است از آنجا بیاید، فرض می‌کند، مانند: از راه دور یا از جهت کوه‌های آبی یا از بهشت یا از محل عشق... و غیره از تجزیه و تحلیل بالا می‌توان دریافت، که فرستنده در واقع فعل‌ها را از زمره «کارگفت‌ها عاطفی» و از نوع «فرضیه داشتن، تعجب کردن» انجام داد.

• استاد سخندان

دیوان شما هدیه پر ارج عزیزی است

باغ «گل زردی» است پر از لاله و «ریحان»

با آن همه شیوایی و شورش . (همانجا)

نویسنده، از طریق ابیات شعری مزبور شاعر «یحیی ریحان» را ستایش می‌کند و او را «استاد فصاحت» می‌نامند و به او اطلاع می‌دهد که مجموعه شعری وی از آنچه که شامل فصاحت و بلاغت هدیه‌ای ارزشمند تلقی می‌شود، سپس این دیوان شعر را به باغ گل‌های زرد پر از زنبق و ریحان تشبیه می‌کند.

از آنچه قبلاً ذکر شد می‌توانیم نتیجه بگیریم، که فرستنده در واقع فعل‌ها را از زمره «کارگفت‌ها عاطفی» از جور «تمجید کردن و قدردانی کردن» ادا کرده است .

• « نام من مکن ننگین

که مفتخوار نیم، اهل زحمت و هنرم

ز خانواده‌ی بی خانمان رنجبر» (همانجا)

فرستنده، در ابیات شعر مزبور توضیح می‌دهد، که متهم از افسر تحقیق می‌خواهد، که نژاد خود را فاش نکند، پس از آنکه افسر متوجه شد که متهم از نژاد پادشاهان است، در حالیکه متهم افتخار می‌کند که او از خانواده‌ای فقیر و بی خانمان است.

از آنچه قبلاً گفته شد می‌توان استنباط کنیم، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌های عاطفی» از نوع «افتخار کردن» بهره‌گیری است.

از این مقدار «کارگفت‌های عاطفی» که در مجموعه شعری "اگر هزار قلم داشتم" ذکر شده است بسنده می‌کنیم. در بخش بعدی به «کارگفت‌های تعهدی» می‌پردازیم، و آن‌ها را به همان روشی که افعال در مباحث قبلی تحلیل شده اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد .

«کنش تعهدی»

کارگفت تعهدی مربوط به تعهد شخص گوینده به انجام کاری در آینده است. گوینده متعهد می‌شود که در آینده از طریق قسم خوردن، وعده دادن و کارهایی از این قبیل کاری را انجام دهد. (رک: فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۷)

افعال کنش تعهدی عبارت‌اند از:-

«متعهد شدن، قول دادن، قسم خوردن، ضمانت کردن، داوطلب شدن، تقدیم کردن، تعهد دادن، بیان موافقت کردن...» (همانجا)

در مطالب بعدی، مجموعه «کارگفت‌های تعهدی» موجود در اشعار شاعر "ژاله اصفهانی" را بررسی، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد.

• هزار سال دگر گر ز خاک برخیزم

به عصر خویش فرستم سلام آزادی. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۰)

شاعر در این ابیات شعری قول می‌دهد، اگر پس از هزاران سال به زندگی برگردد، سلام آزادی را به زمان خودش می‌فرستد؛ این قول اصرار و پای‌بندی به اصل آزادی محسوب می‌شود. اینجا در نظر گرفته می‌شود، که فرستنده فعل را از زمره «کارگفت‌های تعهدی» از نوع «قول دادن» انجام داده است.

• بخواب آرام ای قهرمان آزادی

که فخر مرگ تو از زندگی است زیباتر

رسد چو بهین، نسل‌های آینده

به افتخار تو سازند پیکر مرمر. (همان منبع قبلی: ۱۰۸)

نویسنده از طریق ابیات که در بالا ذکر شد، شهید قهرمان آزادی را خطاب قرار داده و به او می‌گوید که آرام بخوابد، زیرا غرور مرگ او از زندگی زیباتر است. پس از آن، به او متعهد شد که روزی فرا خواهد رسید که نسل‌های آینده به افتخار او مجسمه‌ای مرمر بسازند. از آنچه قبلاً ذکر شد می‌توانیم نتیجه بگیریم که فرستنده در واقع فعل از زمره «کارگفت‌های عاطفی» از جور «متعهد شدن» ادا کرده است.

• به خون پاک تو سوگند، مردم ایران

ز دشمن تو بگیرند انتقام را. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۰۸)

شاعر، از طریق ابیاتی که در بالا ذکر شد، قهرمانی را که جان خود را برای آزادی داده خطاب می‌کند و به او می‌گوید، که مردم ایران به خون پاک خود قسم خورده‌اند که از دشمن خود انتقام بگیرند. از آنچه قبلاً گفته شد، می‌توان استنباط کنیم، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌های تعهدی» و از نوع «قسم خوردن» به‌رمنند شد.

• قناری طلایی رنگ

اگر شعر من استی

هرگز از هستی مشو دلتنگ. (همانجا)

نویسنده، در ابیات شعری که در بالا ذکر شد، قناری طلایی رنگ خطاب می‌کند و به او تضمین می‌دهد که اگر شعرش باشد هرگز ناراحت نخواهد شد، به این معنی که خوشبختی را تضمین می‌کند. از تجزیه و تحلیل مزبور می‌توان دریافت، که فرستنده در

واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌ها تعهدی» و از نوع «ضمانت کردن» ادا کرده است.

• به خشم آتشین مرد و زن سوگند

به نوزادان زخمی، نوجوانان به خون خفته

به آیین شهیدان وطن سوگند

که آخر نعلش دشمن را

به خواری افکنیم از خاک خود بیرون. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۵۲)

از طریق بیت‌های شعر قبلی متوجه می‌شویم، که نویسنده بیش از یک بار سوگند را تکرار می‌نماید، همان‌طور که به خشم آتشین مردان و زنان قسم می‌خورد و در زخم‌های کودکان و نوجوانان غرق در خون سوگند یاد می‌کند و همچنین، به دین شهیدان ملت سوگند یاد می‌کند، که آن‌ها آخرین جنازه دشمن را به نلت پرتاب می‌کنند و میهن را آزاد می‌سازند. از تجزیه و تحلیل فوق در مورد ابیات شاعرانه قبلی نتیجه می‌گیریم، که فرستنده در واقع فعل را از گروه «کارگفت‌های تعهدی» و از جور «قسم خوردن» انجام داده است.

از این مقدار «کارگفت‌ها تعهدی» که در اشعار شاعر "ژاله اصفهانی" ذکر شده است بسنده می‌کنیم. در بخش بعدی به «کارگفت‌های اعلامی» می‌پردازیم، و آن‌ها را به همان روشی که افعال در مباحث قبلی تحلیل شده اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

«کنش اعلامی»

کنش اعلامی شامل کارگفت‌های است که به محض تلفظ آن‌ها، تحول واقعی در دنیای خارجی ایجاد می‌کند. از آن‌جا که این کنش‌ها تأثیرگذارترین در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین آن‌ها مربوط به نهادهای قانونی و اجتماعی هستند، و می‌توان آن‌ها را «کنش‌های نهادینه» نامید. (رک: زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸) در چنین کاری گوینده با تلفظ جمله دنیای خارجی را تغییر می‌دهد؛ یعنی تطابقی میان محتوای خبری جمله و دنیای خارج ایجاد می‌کند. افعال کنش اعلامی عبارت‌اند از:-

«اعلام کردن، محکوم کردن، آغاز کردن کار، به کار گماردن، از کار برکنار کردن، انتصاب کردن، پایان دادن کار، نام‌گذاری کردن، عقد ازدواج درآوردن، عقد قرارداد کردن...» (همانجا)

در مطالب بعدی، مجموعه افعال «کنش اعلامی» موجود در مجموعه شعری مورد بحث را مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد، تا موضوع را برای ما بهتر روشن کند.

• هزار سال دگر نسل‌های انسانی،

ز یک ستاره به سوی ستاره دیگر

چو می‌روند به دیدار هم به مهمانی،

ز موج‌های بجا مانده بشنوند آنها

ز قرن پر شرر ما پیام آزادی. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۰)

نویسنده در این ابیات می‌گوید: که نسل‌های آینده انسانی زمین را ترک می‌کنند و به سیارات دیگر منتقل می‌شوند، و میان آن‌ها حرکت می‌کنند تا یکدیگر را ملاقات کنند تا اخبار عصر ما را که پر از شر است، بشنوند. در این ابیات ذکر شده است، که فرستنده فعل را از مجموعه «کارگفت‌های اعلامی» و از نوع «اعلام کردن» استفاده کرده است.

• «کتاب‌های تو حاکی است از خیانت تو

که هست هر ورقش برگه‌ی جنایت تو

کن اعتراف که هستی مبلغ آنها» (همان منبع قبلی: ۱۰۵)

نویسنده، در ابیات شعری بالا توضیح می‌دهد، که افسر تحقیق به متهم اطلاع می‌دهد که اوراق تحقیق خیانت وی را نشان می‌دهد و هر ورقه از آن‌ها جرم جنایت وی محسوب می‌شود، همان‌طور که مجبور است به آن جنایات اعتراف کند. از آنچه قبلاً ذکر شد می‌توانیم نتیجه بگیریم، که فرستنده در واقع فعل از زمره «کارگفت‌ها اعلامی» از جور «محکوم کردن» ادا کرده است.

• (متهم)

– «در اولین ورق هریکش کنم امضا»

(همانجا)

فرستنده، در بیت شعر بالا نشان می‌دهد، که متهم به افسر تحقیق اطلاع می‌دهد که هر یک از اوراق تحقیق مربوط به پرونده خود خود را امضا می‌کند. از آنچه قبلاً گفته شد، می‌توان استنباط کنیم، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌های اعلامی» از نوع «عقد قرارداد کردن» اجرا کرده است.

• درخت از میوه ارزنده است

و ارزشمند انسان، ثمر بخشی انسان است .. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۱۲)

نویسنده، از طریق ابیات شعری که در بالا ذکر شد، نحوه ارزش‌گذاری یک شخص را بیان می‌کند، همان‌طور که وی روش ارزیابی انسان را به روش ارزش‌گذاری یک درخت

تشبیه کرد، بنابراین که ارزش یک درخت مقدار میوه‌های آن است، در حالی که ارزش یک فرد ثمره تلاش اوست. از تجزیه و تحلیل مزبور می‌توان دریافت، که فرستنده در واقع فعل را از مجموعه «کارگفت‌ها اعلامی» و از نوع «ارزشیابی کردن» ادا کرده است.

• یک انسان گم شده با این نشانی‌ها:

که گاه راه رفتن پرده‌های ابر را با سر عقب می‌زد

و با یک گام روی رودهای پهن پل می‌پست. (همان منبع قبلی: ۱۲۶)

نویسنده، با استفاده از ابیات شاعرانه‌ای که در فوق ذکر شد، به گیرنده اعلام می‌کند که یک فرد با این خصوصیات گم شده است: گاهی هنگام راه رفتن به برده‌های ابر روی می‌آورد و همچنین با یک گام می‌تواند از روی پل رودخانه‌های وسیع عبور کند از آنچه قبلاً ذکر شد، متوجه می‌شویم که فرستنده در واقع یک فعل را از مجموعه «کارگفت‌های اعلامی» و از جور «چیزی گم شدن» به‌رمند شد.

• ای پاسدار استوار میهن من!

بنگر سنیغ صبحگاهی گشته روشن

خفاش شب بال سیه درهم کشیده

صبح نخستین روی کهساران دمیده. (همان منبع قبلی: ۱۴۴)

نویسنده از طریق ابیات شاعرانه‌ای که در مزبور ذکر شد، پاسدار وطن محکم خود را صدا می‌کند و به او می‌گوید، که خفاش‌های تاریک بال‌های خود را در آغوش گرفته‌اند و منظور او خطر دشمنان را از بین ببرد، سپس از او خواسته می‌شود که به قلّه کوه نگاه کند، در حالی که آغاز طلوع آفتاب بر قله‌های کوه‌ها می‌درخشد، این بدان معنی است که آغاز دوره جدیدی فرا رسیده است. از تجزیه و تحلیل فوق در مورد ابیات شاعرانه قبلی نتیجه می‌گیریم، که فرستنده در واقع فعل را از گروه «کارگفت‌های اعلامی» از جور «آغاز کردن» انجام داده است.

• جنگ جوانمردانۀ تو ناتمام است

مگذار، مگذار آتش عصیان بمیرد

مگذار، آن مار سیه نیرو بگیرد

سرکوب کن او را که راه چاره این است. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۴۴)

شاعر از طریق ابیات شاعرانه فوق، نگهبان میهن استوار خود را انگیزه می‌دهد، از آنجا که به او می‌گوید که نبرد قهرمانانۀ او هنوز پایان نیافته است و نباید اجازه دهد آتش عصیان درون او خاموش شود و اجازه ندهد آن مار سیه قدرت یابد، بلکه باید به آن

جارو کند، این راه حل است. بنابراین، او را به جنگ و مقاومت تحریک می‌کند. از تجزیه و تحلیل مزبور می‌توان دریافت، که فرسوده در واقع فعل را از زمره «کارگفت‌ها اعلامی» و از نوع «تحریک کردن» ادا کرده است.

• بال سیاه و مدھش اهریمن جنگ

افتاده سنگین بر سر شب‌های تهران

تنها چراغ روشن شهر

ماه است، ماه کهربا رنگ

سوزد فراز بام ناپیدای تهران. (همان منبع قبلی: ۱۴۸)

نویسنده، از طریق ابیات شعری که در فوق ذکر شد، اطلاع می‌دهد، که بالهای یک دیو جنگ سیاه سنگین بر سر شب‌های «تهران» افتاده است و هیچ چراغی در این پایتخت باقی نمانده است، به جز ماه که در بالای آسمان تهران می‌سوخند. منظور نویسنده این است که، طبل جنگ در پایتخت ایران «تهران» به صدا درآمده است. از آنچه قبلاً گفته شد، می‌توان استنباط کنیم، که فرسوده در واقع فعل از مجموعه «کارگفت‌های اعلامی» از نوع «شروع کردن جنگ» ادا کرده است.

از آنچه که قبلاً در این فصل ذکر شد متوجه می‌شویم، که انواع کنش‌های گفتار به کار رفته در قصاید شعری که تحلیل کردیم، از نظر تعداد متفاوت است؛ آن را می‌توان در جدول زیر توضیح داد.

جدول:-

ت	نوع کنش گفتار	مقدار	درصد
۱	کنش اظهاری	۹۹	۳۸,۵۲%
۲	کنش عاطفی	۷۶	۲۹,۵۷%
۳	کنش ترغیبی	۵۹	۲۲,۹۵%
۴	کنش اعلامی	۱۸	۷,۰۰۳%
۵	کنش تعهدی	۵	۱,۹۴%
مجموع کلی		۲۵۷	

جدول: نمودار بسامد کنش‌های گفت و انواع آن در اشعار ژاله اصفهانی"

به همراه مقدار و درصد هر یک.

نتیجه‌گیری :

اکنون، بعد از این‌که دیدگاه و ایده‌ای واضح در مورد این سوال «ژاله با شعر خود به مخاطب چه چیزی رسیده است؟» داشتیم، به این نتیجه رسیدیم، که از یک سوی، ژاله در مجموعه شعری خود «اگر هزار قلم داشتم» جهان ارمانی‌اش را از طریق کنش‌های اظهاری و عاطفی، که بسامد بیشتری در این گروه شعری داشت، تصور می‌کشد و می‌سازد. و از سوی دیگر، وی از طریق کنش ترغیبی است که در بسیاری از ابیات این اشعار بیان می‌شود، علاوه بر انتقاد از وضعیت جهان معاصر خود، مخاطبان خود را به جهان ایده‌آل محتمل ترغیب و تشویق می‌کند.

شایان ذکر است، که کنش‌های اعلامی و تعهدی در مقایسه با کارهای اظهاری، عاطفی و ترغیبی در این گروه شعر بسیار کم استفاده شده است. دلیل اصلی این امر، عملکرد محدود این افعال است. برای بهتر تبیین این موضوع است، که هدف نویسنده از جمل‌های حاوی این افعال ایجاد تغییر واقعی در دنیای خارج و ایجاد حالتی است که از طریق محتوای گزاره بیان می‌شود. بنابراین، این افعال غالباً در مکالمات روزمره، نهادهای اجتماعی و متون حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند و در متون ادبی کمتر به آن‌ها توجه می‌شود. زیرا در متون ادبی، گوینده تغییرات ضروری را در دنیای خارج، غالباً با کنش‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی انجام می‌دهد.

تاکید ژاله بر گفتگو و استفاده از جملاتی که حاوی افعال احساسی، ترغیبی و تشویقی به جای جملات اجباری هستند، تلاشی برای تحریک سلیقه زیبایی شناختی و برانگیختن احساسات درونی خواننده است، این کی از مهارت‌های تبلیغی شاعر برای جذب مخاطب محسوب می‌شود. افزایش میل و گستردگی مخاطبان شاعر _ به مرور زمان _ موفقیت شاعر در استفاده از کنش‌های گفتاری را نشان می‌دهد.

براساس الگوی کارهای گفتاری پنج‌گانه که در این پژوهش استفاده شده است، می‌توان با آثار ادبی مهم و پربار در این سبک و الگوی پرداخت، زیرا شامل چندین لایه معنایی است که توانایی تفسیر متفاوت دارند.

چنین پژوهش‌های است که نقد تأثیرگذار منفی را که هیچ پایه و اساسی ندارد، رد می‌کند و این تواند دیدگاه عمومی را نسبت به خواندن و نقد آثار ادبی تغییر دهد. علاوه بر این، یک الگوی عملی برای نظریه فلسفه زبان و زبان شناسی شناختی ارائه می‌دهد، که زمینه را برای پژوهش‌های بر این اساس فراهم می‌کند.

منابع

- اصفهانی، ژاله. (۱۳۶۰). مجموعه شعر: اگر هزار قلم داشتم. تهران: انتشارات حیدر بابا. چاپخانه: مازگرافیک.
- الام، کر. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی تئاتر و درام. ترجمه فرزان سجودی. تهران: قطره.
- بهنودی، مسعود. (۱۳۸۶). یکی از قربانیانش هم ژاله بود. بخارا: نشریه فرهنگ، شماره ۶۴، ص ۵۹۷ تا ۶۰۵.
- سپاس، رحمت الله قاسمی. (۱۳۹۴). بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی. نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). افعال گفتاری. ترجمه محمدعلی عبداللهی. ج ۲. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سلطانی خراجی، پریچهر. (۱۳۹۱). زندگی و آثار ژاله اصفهانی. تهران: آزاد مهر.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۵). درآمدی بر معناشناسی، چاپ ششم. تهران: شرکت انتشارات سوره.
- عابدی، کامیار. (۱۳۸۰). بهرغم پنجره‌های بسته «شعر معاصر زنان». تهران: کتاب نادر.
- زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار. دانشگاه الزهراء، شماره ۶.
- فضائلی، سیده مریم و نگارش محمد. (۱۳۹۰). تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج بلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری. رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۶.
- نجفی، ایوکی علی و رسول نیا، امیر حسین، کاوه نوش آبادی و علی رضا. (۱۳۹۶). تحلیل متن-شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل. پژوهش‌نامه نهج البلاغه، شماره ۱۹.
- یول، جورج. (۱۳۸۷). کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۸). نگاهی به زبان. ترجمه نسرین حیدری. تهران: سمت.